



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Social Responsibility of Corporations

Mohammad Reza PendashtehPour ^{1*} 

Abstract

Background and Aim: What arose out of the notion of corporate responsibility is the maximum profitability for its shareholders. However, the discourse of the 21st century has led companies to accept the social responsibility. In other words, firms are not only responsible for their stakeholders but also a responsibility for community in which have business activity.

Materials and Methods: This is a descriptive Study.

Ethical Considerations: Honesty and confidentiality have been observed.

Findings: Accepting social responsibility for companies has pros and cons. however; there are many international and domestic legal documents on corporate social responsibility, foremost of which are the principles of the constitution and articles of labor law.

Conclusion: Today, the expectation of fulfillment of all social goals by states is not possible. Companies due to the power of management, wealth and workers under their supervision can fulfill a part of these social goals.

Received:

23 May 2020

Revised:

07 Jun 2020

Accepted:

18 Jun 2020

Available Online:

01 Jul 2020

Keywords:

Social
Responsibility,
Company,
State,
International
Instruments,
Law.

^{1*} Assistant Professor, Department of Law, Shahed University, Tehran, Iran.

Email: Pendashtehpour@ut.ac.ir Phone: +989124091278

Please Cite This Article As: PendashtehPour, MR (2020). "Social Responsibility of Corporations". *Interdisciplinary Legal Research*, 1 (2): 86-98.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۸۶-۹۸)

مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری

محمد رضا پنداشته‌پور^۱

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. Email: Pendashtepoor@ut.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۹/۳/۳ ویرایش: ۱۳۹۹/۳/۱۸ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۹ انتشار: ۱۳۹۹/۴/۱۱

چکیده

زمینه و هدف: آنچه که ابتدا از مفهوم مسئولیت شرکت‌ها به ذهن متبادر می‌شود، وظیفه حداکثر سودآوری برای سهامداران خود است. با این حال، گفتمان نضج گرفته در قرن بیست و یکم، شرکت‌ها را به سمت قبول مسئولیت اجتماعی سوق داده است. به دیگر سخن، شرکت‌ها نه تنها در مقابل سهامداران خود مسؤول هستند، بلکه در مقابل جامعه‌ای که در آن فعالیت تجاری داشته و کسب منفعت می‌نمایند نیز مسئولیت دارند.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در نگارش این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی بوده است.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: پذیرش مسئولیت اجتماعی برای شرکت‌ها دارای موافقان و مخالفان بسیاری است. با این حال، اسناد حقوقی بین‌المللی و داخلی بسیاری بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها صحنه می‌گذارد که مهمترین آن‌ها در قوانین داخلی، اصولی از قانون اساسی و موادی از قانون کار است.

نتیجه‌گیری: امروزه، انتظار تحقق همه اهداف اجتماعی توسط دولت‌ها امکان‌پذیر نیست و این شرکت‌ها هستند که با توجه به قدرت مدیریت، ثروت و کارگران تحت نظارت خود، می‌توانند بخشی از اهداف اجتماعی را به خوبی تحقق بخشند.

کلمات کلیدی: مسئولیت اجتماعی، شرکت، دولت، اسناد بین‌المللی، قانون.

مقدمه

۱- بیان موضوع: در مفهوم مدرن زندگی اجتماعی، مرزهای بین حقوق و مسئولیت‌های اشخاص به مفهوم سنتی خود وجود ندارد. در واقع می‌توان قالب حقوق را مطابق قالب مسئولیت‌ها دانست و اینگونه اعلام کرد که هر شخصی به میزان مسئولیت‌هایی که دارد از حقوق برخوردار است.

از سوی دیگر مفهوم سنتی حقوق و مسئولیت، بر مدار شخص می‌گردد بدین معنا که فرد در برابر منافعی که به دست می‌آورد، مسؤول بوده و حقوق وی نیز مستقیماً منجر به ایجاد منافع برای وی می‌گردد؛ اما در مفهوم مدرن حقوق، مسئولیت مستقیماً به منافع شخصی شخص باز نمی‌گردد بلکه افراد به نوعی آمیخته با زندگی اجتماعی مسؤول و محق تلقی می‌گردند. در واقع، اشخاص بواسطه ارتباط گسترده با جامعه، پیش از منافع خود در برابر جامعه مسؤول تلقی می‌شوند.

در سال‌های میانی قرن بیستم و سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم تا اکنون، شرکت‌های خصوصی روز به روز گسترده‌تر و تاثیر گذارتر شده‌اند. به اضافه که شرکت‌ها در جهت دستیابی به بازار و منابع بیشتر به حدود حاکمیت ملی محل ثبت خود اکتفا نکرده و سامانه حقوق را به سمت شکل‌گیری تئوری شرکت‌های چند ملیتی^۱ سوق داده‌اند. با تغییرات اقتصادی سال‌های مذکور شرکت‌ها نقش گسترده‌ای در زندگی اجتماعی پیدا نمودند تا حدی که به زعم برخی نویسندگان (براتلو، ۱۳۸۶:

۱۶) «امروزه شرکت‌ها دوشادوش دولت‌ها در سرنوشت انسان‌ها تاثیر دارند.» با بیان این مطلب، نقش شرکت‌ها خصوصاً شرکت‌های چند ملیتی در برابر جامعه به وضوح پیدا می‌شود. از سوی دیگر چالش سابق‌الذکر در باب مسؤول نشناختن این اشخاص در برابر نظام بین‌المللی با اوج‌گیری مسئولیت این دست اشخاص بیشتر رخ نما می‌شود.

موضوع این پژوهش متمرکز بر اشخاص داخلی است و اسناد و تئوری‌های بین‌المللی نیز به مقتضای اثر آن بر حقوق داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد و محل بحث شرکت‌های بین‌المللی

در مجال مستقل و مبسوط است، هرچند بنا به ضرورت در این بحث به نحو اجمال از آن سخن خواهد رفت.

۲- تبیین مفاهیم: امروزه نمی‌توان وقتی سخن از حقوق کارگران، کار اجباری، کار زنان و تساوی حقوق زن و مرد و بسیاری موارد دیگر به میان می‌آید صرفاً دولت‌ها را مسؤول و مشمول مقررات و قوانین دانست. هنگامی که بحث از مسئولیت پیش می‌آید اولین نکته پیش رو، شخصی است که باید مسؤول شناخته شود. اساساً در سیستم داخلی حکومت، همه اشخاص اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی پاسخگو و مسؤول هستند. اما در نظام بین‌المللی هر شخصی مسؤول نیست بلکه اصولاً دولت‌ها و در مرتبه دوم برخی از سازمان‌های بین‌المللی مسؤول هستند. این مسئولیت به هیچ وجه شامل اشخاص حقوقی حقوق خصوصی (Bantekas, 2004: 22) نیست.

مفهوم مسئولیت اجتماعی نیز از خلال این گفتمان زاده شده است. در واقع، مفهوم مسئولیت اجتماعی نیز مانند سایر اقسام مسئولیت، بر یک قاعده اساسی که به قاعده طلایی مسئولیت مشهور است مبتنی است. بر اساس این قاعده «آگاهانه به کسی ضرر نزدن به قاعده اصلی اخلاق حرفه‌ای و قاعده اصلی اصول اخلاق در مسئولیت‌های عمومی است.» (براتلو، ۱۳۸۶: ۱۶) اساساً سال‌های میانی سده ۱۹ میلادی سال‌هایی است که جهان به سوی تحول بزرگ اقتصادی می‌رود که پس از جنگ جهانی دوم موجب بروز نظریات اقتصادی بسیار بزرگی شد که تا حدود یک قرن بر منطقه اقتصادی توسعه یافته فعلی گذارد.

۳- پیشینه موضوع: به‌طور واضح سال‌های نیمه قرن بیستم میلادی را می‌توان سال‌های ایجاد رویکرد مسئولیت اجتماعی شرکت دانست (Bantekas, 2004: 22) در واقع بعد از پایان جنگ جهانی دوم و پس از رکود اقتصادی بزرگ اروپا، تئوری شرکت‌ها در آمریکا شروع به رشد کرد. اما این تئوری همچنان در سال‌های دهه چهل در قرن بیستم مبتنی بر تلقی سنتی از شرکت و کسب سود حداکثری بود. اما هرچه زمان طی می‌شد، آثار سوء این تلقی بیشتر رخ نمودن می‌گردید تا جایی که بدینی به اقتصاد آزاد تحت تاثیر ایده‌های اقتصاد مارکسیستی به اوج

^۱-Multinational Corporate

جامعه از ۱۹۰۰ تا ۱۹۶۰» (Carrol, 1999: 95) نشانه‌های اولیه مفهوم جدید مسؤولیت اجتماعی شرکت‌ها ظهور کرد. به همین منوال، در دهه هشتاد و نود، ادبیات مربوط به این بحث گسترش یافت. در این میان، ظهور سازمان‌های بین‌المللی همچنین مسائل اقتصادی پیچیده و نقش آفرینی شرکت‌های مختلف منجر به توسعه و تکمیل تئوری مسؤولیت اجتماعی شرکت‌ها شد چنان که در سال‌های آخر قرن بیستم، سازمان ملل اقدام به تهیه چندین بیانیه و موافقت‌نامه در زمینه رعایت اصول حقوق بشری و موازین مربوط به مسؤولیت اجتماعی شرکت‌ها نمود.

نگاهی به تمام این فرایندها و نحوه شکل‌گیری و تکامل این مفهوم نشان می‌دهد که امروزه نقش دولت‌ها در تاثیرگذاری بر اجتماع در حال کاسته شدن و نقش شرکت‌ها در حال افزایش است. البته نباید از این واقعیت غافل شد که نقش حاکمیتی و نظارتی دولت‌ها هرگز قابل حذف نخواهد بود. در واقع، در بسیاری موارد، مسؤولیت اجتماعی شرکت تحت نظارت و کنترل دولت‌ها پیش می‌رود. از سوی دیگر، در برخی موارد، این حکومت‌ها هستند که به‌واسطه تخطی شرکت‌های تحت حاکمیت خود مشمول قواعد و سازوکارهای نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و صندوق بین‌المللی پول خواهند شد.

۴- **روش تحقیق:** این پژوهش بصورت توصیفی و تحلیلی نگاشته شده است.

بحث و نظر

۱- مسؤولیت اجتماعی شرکت‌ها؛ توجیهات مخالف و موافق

در این که آیا می‌توان شرکت‌ها را در برابر جامعه مسؤول شناخت، اختلاف نظر وجود دارد؛ البته چنانچه اشاره می‌شود این اختلاف بیشتر در مورد شرکت‌های چند ملیتی مطرح و به تئوری‌های موجود به این شرکت‌ها می‌پردازد، اما دلایل موافقان و مخالفان را در واقع می‌توان به‌عنوان نگرشی به اساس مسؤولیت شرکت‌ها دانست. به این مقتضا دلایل مخالفان و موافقان مختصراً بیان می‌شود.

خود رسید. این نقطه‌ای بود که متولیان شرکت‌ها متوجه قطع ارتباط خود با جامعه شده و اقدام به ترمیم حیثیت اجتماعی-اقتصادی خود نمودند. از اینجا مبحث مسؤولیت اجتماعی شرکت متولد و شروع به رشد نمود.

به زعم برخی نویسندگان باید دهه پنجاه میلادی را سرآغاز بحث مسؤولیت اجتماعی دانست اما هنوز مفهوم مسؤولیت اجتماعی شرکت مطرح نیست چرا که هنوز مفهوم شرکت چندان مفهوم تاثیرگذاری نیست. بوئن^۱ در کتاب خود «مسؤولیت اجتماعی تاجر» در ۱۹۵۳ برای اولین بار در این باره سخن گفت. به زعم او «مسؤولیت اجتماعی، همان تعهداتی است که تاجر در اثر سیاست‌های تجاری و تصمیمات ناشی از آن همچنین فعالیت‌های مبتنی بر آن در برابر ارزش‌های مورد پذیرش جامعه خود بر عهده دارد.» (Bowen, 1953: 15) با این تعریف برای اولین بار از حدود متعارف خود - یعنی حیطه منافع شخصی - خارج و عملاً در برابر ارزش‌های مورد پذیرش جامعه مطرح شد.

دهه شصت میلادی در اثر این تحلیل‌ها و تئوری‌ها، شاهد رشد و گسترش ادبیات مسؤولیت اجتماعی شرکت بود. شاخص‌ترین نویسنده این دوره دیویس^۲ است که در مقاله خود تاجر را مسؤول اغراض پنهان خود در برابر جامعه می‌داند. (124: Davis & Blomstorm, 1966) هنوز هم سخن از تاجر است و شرکت در مفهوم خود زاده نشده است.

شاید اولین کسی که از مفهوم مسؤولیت اجتماعی شرکت سخن گفت مک‌گایر^۳ در ۱۹۶۳ بود که در کتاب خود «تجارت و جامعه» نوشت «نظریه مسؤولیت اجتماعی فرض می‌کند که شرکت‌ها نه فقط مسؤولیت اقتصادی و حقوقی داشته بلکه دارای مسؤولیت در برابر جامعه‌ای که مستقیماً از تعهدات وی متأثر می‌شود است.» (McGuier, 1963: 38) دهه هفتاد میلادی شاهد جدی شدن مفهوم مسؤولیت اجتماعی شرکت‌ها بود و با انتشار کتاب «مسؤولیت اجتماعی تجارت: شرکت‌ها و

¹ - Bowen

² - Davis

³ - McGuier

این مخالفان دلایلی چند را برای اثبات ادعای خود مطرح می‌کنند که ما در این جا به بیان مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم: اولاً این شرکت‌ها یک‌سری شرکت‌های تجاری هستند که به داد و ستد و تجارت مشغول‌اند و تنها مسئولیت اجتماعی آن‌ها ایجاد سود برای سهامداران است؛ عرصه تجارت نیز عرصه رقابت و زیرکی است و چنانچه شرکتی بخواهد لحظه‌ای غفلت کند چه بسا دچار زیان‌های هنگفتی شود بنابراین این شرکت‌ها نمی‌توانند در کشورهایی که در آن‌ها فعالیت می‌کنند همانند معلم اخلاق عمل کنند چرا که این قطعاً به نفع آن‌ها نخواهد بود ضمن اینکه چه بسا باعث دخالت در امور داخلی کشور میزبان نیز می‌شود. (Ratner, 2001: 56)

ثانیاً مؤسسات مربوط به حوزه خصوصی^۱ همانند این شرکت‌ها هیچ مسئولیت اجباری^۲ نسبت به مسئولیت اجتماعی شرکت ندارند و تنها وظیفه آن‌ها اطاعت از قانون است بنابراین این وظیفه دولت‌ها است که مسائلی که اهمیت اجتماعی فراوانی دارند را تنظیم و قاعده‌مند کنند و این شرکت‌ها نیز موظف و ملزم به اطاعت از قوانین هستند. در حقیقت این شرکت‌ها نیز به‌عنوان یک شخص، از حمایت از مسئولیت اجتماعی شرکت و ایجاد زمینه مناسب برای رعایت آن توسط دولت، منتفع می‌شوند. به عبارت دیگر در صورت عدم رعایت مسئولیت اجتماعی شرکت، خود این شرکت‌ها نیز قربانی نقض آن خواهند شد. (Zenonasturskis, 2008: 24)

مخالفان مطلب سوم را با یک سوال آغاز می‌کنند و آن اینکه شرکت‌های چند ملیتی چه جنبه‌هایی از مسئولیت اجتماعی شرکت را باید رعایت کنند؟ آن‌ها اینگونه به این سوال پاسخ می‌دهند که درست است که این شرکت‌ها می‌توانند تا حدی بر مسائل اجتماعی و اقتصادی اثرگذار باشند لیکن نمی‌توانند هیچ اقدامی در خصوص حمایت از حقوق مدنی و سیاسی انجام دهند چرا که فقط دولت‌ها تکلیف و همچنین قدرت، توان و اختیار چنین امری را دارا هستند. (Bantekas, 2004: 22)

چهارمین دلیل این است که اگر قرار باشد که تعهدات مسئولیت اجتماعی شرکتی را به این شرکت‌ها تسری دهیم، کاملاً قابل

^۱- Private Sphere

^۲- Positive

پیش بینی خواهد بود که نه تمامی دولت‌های ذیربط و نه تمامی شرکت‌های چند ملیتی به یک اندازه و به‌طور یکسان به مسئولیت اجتماعی شرکت اهمیت نداده و به‌طور برابر آنرا رعایت نکنند. بنابراین در این حالت شرکت‌هایی که از وجدان کاری و اخلاقی بیشتری برخوردارند، زمان و هزینه بیشتری را برای رعایت و اجرای مسئولیت اجتماعی شرکت صرف می‌کنند تا بهتر از عهده مسئولیت‌های خود برآیند که این خواه ناخواه سبب افزایش هزینه‌ها و کاهش سود و در نتیجه کاهش قدرت رقابت این شرکت‌ها می‌شود. (شیروی، ۱۳۹۲: ۲۳۳) در طرف مقابل، شرکت‌های دیگری هستند که به میزان کمتری مسئولیت اجتماعی شرکت را رعایت و اجرا می‌کنند و در نتیجه، هزینه آن‌ها کمتر، سودشان بیشتر و قدرت رقابتشان افزونتر خواهد بود. (Ratner, 2001: 56) حتی می‌توان گفت تمایل کشورهایی که از نظر مسئولیت اجتماعی شرکت، سابقه خوبی ندارند به پذیرش شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی شرکت را بیشتر رعایت می‌کنند کمتر خواهد بود. بنابراین چون این امکان وجود ندارد تا همه دولت‌ها و همه شرکت‌ها به یک اندازه به مسئولیت اجتماعی شرکت پایبند باشند، بنابراین تسری تعهدات مسئولیت اجتماعی شرکتی به این شرکت‌ها صحیح نخواهد بود و باعث ایجاد تبعیض بین آن‌ها شده و سبب می‌شود تا برخی سود بیشتر و برخی سود کمتری ببرند در حالیکه نباید اینگونه باشد؛ ضمن اینکه چنین تسری در چنین شرایط تبعیض‌آمیزی عملی و شدنی هم نخواهد بود چون تمامی شرکت‌ها به دنبال این هستند تا با کاهش هزینه‌ها به حداقل ممکن، از حداکثر سود بهره ببرند و در تلاشند تا موانع موجود بر سر راه خود را به هر شکلی از میان بردارند. (Zenonasturskis, 2008: 24)

آخرین دلیلی که مخالفان بیان می‌کنند این است که این شرکت‌ها جزء قلمرو و حوزه خصوصی هستند و اگر بخواهیم تعهدات و تکالیف مسئولیت اجتماعی شرکتی را به آن‌ها تسری دهیم، در حقیقت آن‌ها را نیز همانند دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تابع حقوق بین‌الملل قلمداد کرده‌ایم و برای آن‌ها شخصیت حقوقی بین‌المللی قائل شده‌ایم حال آنکه باید گفت شخصیت حقوقی بین‌المللی شرکت‌های چند ملیتی هنوز

مسئولیت آن‌ها در خصوص جرایم بین‌المللی است چرا که مطابق با اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، کارمندان و مدیران این شرکت‌ها ممکن است مسؤول اقداماتی باشند که طبق معاهده رُم به‌عنوان جرم بین‌المللی شناخته شده است. هر چند برخی معتقدند که این شرکت‌ها به‌عنوان سازمان و موسسه عمل می‌کنند نه به‌عنوان اشخاص حقیقی و در نتیجه از استقلال عمل و شخصیت حقوقی برخوردارند لیکن این نباید مانع از مجازات ناقضان مسؤولیت اجتماعی شرکت گردد.

دلیل دیگر موافقان، استناد به اثرگذاری و رابطه متقابل تجارت و مسؤولیت اجتماعی شرکت است. در این زمینه **ماری رابینسون**^۱، کمیسیونر مسؤولیت اجتماعی شرکت سازمان ملل، این مطلب را مطرح می‌کند که هم تجارت به مسؤولیت اجتماعی شرکت نیاز دارد و هم مسؤولیت اجتماعی شرکت به تجارت؛ چرا که تجارت نمی‌تواند در محیطی که در آن مسؤولیت اجتماعی شرکت رعایت نمی‌شود شکوفا گردد. از طرف دیگر شرکت‌هایی که مسؤولیت اجتماعی شرکت را رعایت نمی‌کنند در افکار عمومی سوء سابقه پیدا می‌کنند و بدین ترتیب از میزان اعتبار آن‌ها در ذهن مصرف‌کنندگان و مشتریان کاسته می‌شود و حتی ممکن است با پیامد منفی تحریم توسط مصرف‌کنندگان و در نتیجه کاهش فروش و کاهش سود مواجه شوند. بنابراین به نفع شرکت‌های چند ملیتی است تا با نشان دادن چهره‌ای مثبت از خود در جهان به افزایش فروش و افزایش سود دست یابند. (Zenonasturskis, 2008: 24)

یکی دیگر از استدلال‌های موافقان، اشاره به این مطلب است که اگرچه این شرکت‌ها در حوزه خصوصی فعالند و تابع فعال حقوق بین‌الملل به حساب نمی‌آیند ولی می‌توان آن‌ها را تابع منفعل^۲ حقوق بین‌الملل دانست؛ به این ترتیب که امروزه شرکت‌های فراملی دارای برخی از حقوق و تعهدات بین‌المللی هستند اما به هیچ وجه واجد خصیصه حاکمیت و دارای همان حقوق و تکالیف کشورها یا سازمان‌های بین‌الدولی نیستند؛ در

محدود است. به‌علاوه، همان شخصیت حقوقی اندک و محدود هم جنبه اشتقاقی و فرعی دارد، یعنی از سوی دولت‌ها اعطا شده است. (Bantekas, 2004: 22)

با توجه به این استدلال‌ها به نظر می‌رسد مخالفان اینگونه تصور و فرض می‌کنند که شرکت‌های چند ملیتی تفاوتی با اشخاص حقیقی یا حقوقی درگیر در فعالیت‌های تجاری داخلی ندارند و باید در برابر رفتار نامناسب و ناعادلانه، حمایت و حفاظت شوند چرا که به اعتقاد آن‌ها نمی‌توان چنین شرکت‌هایی را تابع حقوق بین‌الملل و در نتیجه مصداق حق و تکلیف طبق حقوق بین‌الملل دانست. (Zenonasturskis, 2008: 24)

در مقابل، موافقان نیز استدلالاتی مطرح می‌کنند. یکی از مهمترین دلایل موافقان، موارد متعدّد نقض مسؤولیت اجتماعی شرکت توسط این شرکت‌ها است. به زعم ایشان، امروزه شرکت‌های چند ملیتی بسیار قدرتمند هستند و تأثیر آن‌ها بر رفاه جوامع و افراد به اثبات رسیده است. نگرانی هنگامی بیشتر می‌شود که بدانیم هم اکنون بیش از هفتاد هزار شرکت چند ملیتی با بیش از ۶۹۰ هزار شعبه در سراسر جهان مشغول به فعالیت هستند و اگر چه از سال ۱۹۹۷ برخی از این شرکت‌ها خود را به رعایت مسؤولیت اجتماعی شرکت در تمامی جوانب فعالیت‌های خود ملزم کرده‌اند و حتی در سال ۲۰۰۵ نزدیک به صد شرکت بزرگ چند ملیتی، خط‌مشی‌های صریح مسؤولیت اجتماعی شرکتی را عمدتاً با الهام از اعلامیه جهانی حقوق بشر اتخاذ کرده‌اند، لیکن متأسفانه هنوز هیچ توافق حقوقی در خصوص شیوه مشارکت این شرکت‌ها در نقض مسؤولیت اجتماعی شرکت وجود ندارد و بسیاری از این شرکت‌ها هم هنوز خود را در این زمینه فارغ از تعهد و تکلیف می‌دانند. (Ratner, 2001: 56) بنابراین ضروری است تا جهت جلوگیری از نقض مسؤولیت اجتماعی شرکت توسط این شرکت‌ها، آن‌ها را نیز ملزم به رعایت مسؤولیت اجتماعی شرکت بدانیم. همچنین یکی از مسائل مهم در خصوص مسؤولیت این شرکت‌ها در قبال مسؤولیت اجتماعی شرکت،

¹ - Mary Robinson

² - Passive

میزبان^۱ است، بلکه دولت مبدأ^۲ نیز چنین تعهدی دارد چون شرکت چند ملیتی، تابعیت او را دارا است و این دولت می‌تواند بر این شرکت کنترلی موثر اعمال کند. در پایان باید گفت اگرچه شناخت مسئولیت مستقیم نقض مسئولیت اجتماعی شرکت برای این شرکت‌ها سابقه‌ای ندارد ولی حداقل باید برای آن‌ها مسئولیت غیرمستقیم نقض مسئولیت اجتماعی شرکت را به رسمیت شناخته و بدین ترتیب از نقض مسئولیت اجتماعی شرکت توسط این شرکت‌ها جلوگیری کرده و هزینه آن را بالا برد. (Bowen, 1953: 15)

۲- اسناد حاکم بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

بازیگران اصلی در این مسئولیت عمدتاً شرکت‌ها هستند اما باواسطه و غیر مستقیم، دولت‌ها نیز مسؤول قلمداد می‌شوند. بر این اساس، اسناد حاکم بر مسئولیت اجتماعی شرکت را به دو بخش اسناد بین‌المللی و اسناد داخلی تقسیم و در سطور آتی به آن خواهیم پرداخت.

۲-۱- اسناد بین‌المللی

اسناد بین‌المللی، اسنادی هستند- خواه الزام‌آور و خواه غیر الزام‌آور - که توسط مجامع بین‌المللی تهیه و تنظیم و توسط اعضای جامعه بین‌المللی- خواه دولت‌ها و خواه سازمان‌های بین‌المللی- پذیرفته می‌شوند. مسئولیت هر عضو صرفاً مبتنی و در حدود پذیرش این اسناد خواهد بود. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۱۲۱)

۲-۱-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸

این اعلامیه در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و در پاریس تصویب و مهمترین متن حاکم بر حقوق بشر و قواعد اساسی آن است. ایران در ابتدای امر به این اعلامیه پیوسته و جزء موسسین این اعلامیه بوده است. این اعلامیه در مواد ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ خود صراحتاً به این مساله اشاره و ضمن بازشناسی حقوق افراد در مفهوم خود، مسئولیت این مساله و تضمین این حق را بر دوش دولت‌ها و بالتبع شرکت‌ها نهاده است.

نتیجه می‌توان آن‌ها را به‌عنوان تابع حقوق بین‌الملل قلمداد نمود لیکن تابع کوچک و مشتق. به بیان دیگر، شرکت‌های فراملی تابعان منفعل حقوق بین‌الملل هستند یعنی موضوع حق و تکلیف قرار می‌گیرند بدون آنکه در ایجاد حق و تکلیف مشارکت داشته باشند. باید اضافه کرد که امروزه این شرکت‌ها به نوعی قدرت حکومتی و سیاسی را نیز اعمال می‌کنند و در تصمیم‌گیری دولت‌ها تأثیر گذارند. همچنین باید این نکته را ذکر کرد که کرامت انسانی و حقوق اساسی بشر تحت هر شرایطی باید رعایت شود و نمی‌توان به این بهانه که این‌ها اشخاص خصوصی هستند به حال خود رها شوند تا به دلخواه خود مرتکب هر نقضی بشوند. در نهایت موافقان به مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره می‌کنند که مطابق با آن «هر فرد و هر ارگانی (سازمانی) از جامعه باید حقوق بشر را رعایت و آنرا ترویج کند.»

با بررسی مجموع استدلال‌های موافقان و مخالفان، می‌توان با نظر موافقان همراه شد و اینگونه نظر داد که امکان تسری و گسترش تعهدات مسئولیت اجتماعی شرکتی به شرکت‌های چند ملیتی وجود دارد و حتی چنین امری لازم و ضروری است. (Ratner, 2001:56) باید گفت دلیل اینکه چرا نقض مسئولیت اجتماعی شرکت توسط این شرکت‌ها بدون مجازات باقی می‌ماند، بسیار ساده است؛ چون از نظر سنتی، حقوق بین‌الملل، دولت‌ها را مخاطب خود قرار می‌دهد و آن‌ها را مسؤول می‌داند؛ حتی زمانی که حقوق بین‌الملل به‌طور استثنایی تعهداتی را بر اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی خصوصی به‌طور مستقیم تحمیل می‌کند، مسئولیت شرکت‌ها وابسته به آیین رسیدگی خاصی خواهد بود که توسط دولت‌ها وضع شده است چرا که مکانیزم‌های کافی در نظم حقوقی بین‌المللی برای تحمیل چنین تعهداتی بر این شرکت‌ها وجود ندارد. البته کشورها علاوه بر اینکه خود مسؤول رعایت مسئولیت اجتماعی هستند، باید این حقوق را از نقض و تجاوز اشخاص خصوصی که بر آن‌ها کنترل دارند نیز حفظ کنند. می‌توان گفت تعهد به حمایت از مسئولیت اجتماعی شرکت نه تنها بر عهده دولت

¹- Host State

²- Home State

مساله به سازمان ملل یا دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع شود که در محل خود بیان خواهد شد. (عراقی، ۱۳۸۲: ۱۱۴)

۲-۱-۳- معاهده جهانی Global Impact

معاهده جهانی UN Global Impact یک معاهده غیر الزام‌آور بین‌المللی و در واقع، اولین سند تنظیم شده توسط یک سازمان بین‌المللی است که مستقیماً شرکت‌ها را مخاطب قرار داده است. این معاهده به ابتکار کوفی عنان در ۱۹۹۹ در داووس سوئیس مطرح و در سال ۲۰۰۰ تصویب شد. کوفی عنان یادآور می‌شود:

«این شرکت‌ها، صاحب قدرت فوق‌العاده زیاد، مدیریت، فناوری و پول هستند و امروزه تبدیل به مدلی واقعی برای کسب ثروت شده‌اند. به این علت بود که از این شرکت‌ها خواستم که نفوذ، مسؤلیت و قدرت خود را با من به اشتراک بگذارند و علیه آلودگی محیط زیست، استاندارد کردن شرایط کار و دفاع از حقوق بشر اقداماتی را انجام دهند. شما دیگر نباید منتظر حکومت‌ها باشید...» (رحیمیان، ۱۳۹۱: ۱۲)

این معاهده دارای ۹ اصل راهنما بوده که همگی به اصول حقوق بشر و مسؤلیت اجتماعی شرکت اشاره دارد. اصل اول: شرکت‌ها، بنگاه‌های اقتصادی و بازرگانان باید در حوزه فعالیت و نفوذ خود از حقوق بشر حمایت کنند و به آن احترام بگذارند.

اصل دوم: شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی تضمین نمایند که نقشی در نقض حقوق بشر ندارند.

اصل سوم: شرکت‌ها و بنگاه‌ها و بطور کلی بخش خصوصی باید از آزادی انجمن‌ها و سندیکاها و شناسایی موثرترین حقوق مذاکره و قدرت عمل دسته جمعی حمایت نمایند و حق چانه‌زنی متقابل را به رسمیت بشناسند.

اصل چهارم: شرکت‌ها باید در حذف کامل هرگونه کار اجباری بکوشند.

اصل پنجم: شرکت‌ها باید به‌طور موثری کار کودکان را ملغی اعلام کنند.

اصل ششم: شرکت‌ها باید هرگونه تبعیض شغلی را منع کنند.

ماده ۲۲ این اعلامیه می‌گوید: «هرکسی به‌عنوان عضوی از جامعه حق دارد از امنیت اجتماعی برخوردار شود و از راه کوشش در سطح ملی و همیاری بین‌المللی با سازماندهی منابع هر مملکت، حقوق سلب‌ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را برای حفظ حیثیت و رشد آزادانه شخصیت خویش به دست آورد.»

طبق ماده ۲۵: «هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوه‌گی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد.»

همانگونه که ملاحظه می‌شود، این حقوق امروزه از سوی شرکت‌ها بیشتر قابل اجرا هستند تا دولت‌ها. هرچند در زمان تصویب این اعلامیه هنوز چندان از حضور شرکت‌های خبری نبوده است. در هر حال، دولت‌ها معطوف به این اصول، اقدام به تنظیم سیاست‌ها نموده‌اند که در آینه قوانین داخلی منعکس شده است.

طبق اصول سازمان ملل متحد، تخلف از این اصول بسته به شدت و ضعف نقض، با ضمانت‌های اجرایی مختلفی روبرو است که در سنگین‌ترین حالت، ارجاع به شورای امنیت و حکومت قواعد آن شورا حتی فصل ۷ منشور خواهد بود، هرچند دولت‌ها معمولاً سعی می‌کنند از این حیث مشهور به رعایت قوانین باشند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۱۲۱)

۲-۱-۲- اساسنامه سازمان بین‌المللی کار و بیانیه فیلادلفیا

این اساسنامه که پیرو بیانیه فیلادلفیا در ۱۹۴۴ می‌باشد، قواعد و ضوابط بسیاری را مطرح کرده که بررسی آن نیاز به مجال موسع و مستقل دارد اما آنچه در این قسمت ضروری است که مطرح شود این است که بر اساس بخش اول آن نمایندگان از همه کشورهای عضو- نماینده کارفرما، کارگر و دولت- در همایش سالانه این سازمان شرکت و موظف به ارائه گزارش هستند. همچنین مطابق فصل ۴ این اساسنامه، سازمان مستقلاً می‌تواند گزارشی تهیه نماید و در صورت بروز نقض در حقوق،

اصل هفتم: شرکت‌ها و بنگاه‌ها باید حامی رویکرد پیش‌گیرانه در مقابل مشکلات محیط زیست باشند.

اصل هشتم: شرکت‌ها باید متعهد گردند که در محافظت از محیط زیست، مسئولیت بیشتری را بر عهده بگیرند و پیشقدم شوند.

اصل نهم: شرکت‌ها باید در تشویق توسعه و گسترش فناوری سازگار با محیط زیست بکوشند.

این اصول نه گانه برای اولین بار از سوی سازمان ملل و در قالب یک معاهده، بدون اشاره به دولت‌ها، مستقیماً شرکت‌ها را مخاطب قرار داده است. البته این مساله که در برابر این معاهده چه ضمانت اجرایی می‌توان در نظر گرفت، باید منتظر رویه سازمان ملل متحد در آینده بود. در هر صورت، تا سال ۲۰۰۲ حدود ۱۰۰ شرکت بزرگ ملی و فراملی به این معاهده پیوسته بودند.

۲-۱-۴- اصول راهنمای سازمان ملل متحد در باب تجارت و

حقوق بشر

این اصول برای اولین بار در ۲۰۱۱ توسط کمیسیون تجارت و سازمان ملل تنظیم و به مسئولیت‌ها، اقدامات، و خسارت‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌پردازد. این اصول از وجه الزام‌آور برخوردار نیست. در یادداشت ابتدای این اصول آمده که همه کشورها در همه جای دنیا می‌توانند از این اصول برای بهبود وضعیت اجتماعی و شرکت داری شایسته بهره بگیرند.

۲-۲- اسناد داخلی

اسناد داخلی حاکم بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را باید در گفتمان حقوق داخلی- یعنی با توجه به نضج نیافتگی مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت بررسی کرد. لذا در این زمینه باید به دنبال قوانین جسته و گریخته‌ای که ناظر به مسئولیت اجتماعی است، بود.

۲-۲-۱- **قانون اساسی:** قانون اساسی ایران، فصلی را اختصاص به حقوق ملت داده است. براین اساس و طبق این قاعده که همه قوانین عادی باید ملهم و بر اساس قانون اساسی نوشته شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۴۵) قانون اساسی ایران در فصل

سوم اصول متعددی را به حقوق مربوط به فعالیت اقتصادی اختصاص داده که اهم آن‌ها اصل ۱۹، اصل ۲۰، بندهای ۲ و ۴ اصل ۲۱، اصل ۲۸، اصل ۲۹ و اصل ۴۳ از فصل چهارم است. طبق اصل ۲۹ «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک نفر از کشور تأمین کند.» قوانین اصلی و الزام‌آور این عرصه ملهم از همین اصول است. (قاضی، ۱۳۸۳: ۲۵)

۲-۲-۲- **قانون کار ۱۳۶۷:** قانون کار مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، بالاترین سند حاکم بر کار در ایران است. بر این اساس یکی از مهم‌ترین زمینه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت، همین قانون کار است. لازم به توضیح است که در این زمینه قواعد کار بسیار پیچیده شکل گرفته و در حقوق عمومی، زمینه مستقلی بنام حقوق کار شکل گرفته است. قانون کار در مواد متعددی حقوق بنیادین مربوط به مسئولیت اجتماعی را تبیین کرده است. (استوار سنگری، ۱۳۸۹: ۵۲) لازم به ذکر است که مخاطب این قانون حسب ماده ۱ تمام بنگاه‌ها و کارگاه‌های داخل در جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.

حقوق کار و قوانین آن از جمله قواعد آمره است. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۸۶) بر این اساس خود آمره بودن و غیر قابل تخلف بودن، از جمله شرایط و ویژگی‌هایی برای حفظ حداقل‌های مسئولیت کارگاه و کارفرما است. (عراقی، ۱۳۸۲: ۱۲) مساله قانون کار در ایران را باید با در نظر گرفتن رویکرد قانون‌گذار بعد از انقلاب ۱۳۵۷ به کارگر و مساله کار بررسی کرد. هرچند در سال‌های گذشته بسیاری از قواعد قانونی کار مورد تجدید نظر و تعدیل قرار گرفت، اما همچنان اکثر قواعد این قانون در جهت کنترل اعمال و تصمیمات کارفرما بوده و تا حد ممکن سعی در هزینه‌دار کردن اقدامات تخلف‌آمیز وی نموده است.

در هر صورت، قانون کار در جهت رعایت مسئولیت‌های کارگاه مقررات متعددی دارد. نکته لازم توجه و مورد بحث در این محل، ضمانت اجرای قواعد است. در واقع، فصل نهم قانون کار

ماده ۳۷ و تبصره‌های ۱ و ۲ آن ماده و ماده ۹۲۰ این قانون به مسؤولیت اجتماعی واحدهای صنفی اشاره می‌کند.

۳- وضعیت شرکت‌های ایرانی

به زعم برخی نویسندگان (رحیمیان، ۱۳۹۱: ۱۲) شرکت‌های ایرانی در زمینه مسؤولیت اجتماعی شرکت، به چهار دسته شرکت‌های مسؤولیت‌ناپذیر و غیر قانونی، شرکت‌های با حداقل مسؤولیت، شرکت‌های ناقص و شرکت‌های راهبردی تقسیم می‌شوند.

دسته اول شرکت‌های هستند که به حداقل‌های قانونی، پای بند نبوده و دائماً در حال تخطی از حدود مسؤولیت خود هستند. دسته دوم به الزامات قانونی و نهادهای نظارتی نسبت به حداقل‌های قانونی تمکین می‌کنند.

دسته سوم گروهی از شرکت‌ها هستند که الزاماً حداقل‌ها را رعایت می‌کنند و به صورت پراکنده و مقطعی در فعالیت‌های مرتبط با مسؤولیت اجتماعی مشارکت می‌کنند. اما این مسؤولیت‌پذیری شکل منسجم نداشته و بیشتر موقت و مقطعی است.

نهایتاً دسته چهارم در یک حرکت برنامه‌ریزی شده و مستمر، همراه با مشاوران خبره، اقدام به حرکت در جهت مسؤولیت اجتماعی می‌نمایند. (رحیمیان، ۱۳۹۱: ۱۳)

در زمینه اقدامات انجام شده یا در دست اقدام باید اشاره کرد که مفهوم مسؤولیت اجتماعی در ایران هنوز آنچنان نضج نگرفته که قوانین مخصوص به خود را داشته باشد. اما اموری چون تشکیل کمیسیون مسؤولیت اجتماعی شرکت‌ها در اتاق بازرگانی ایران، تنظیم لایحه حاکمیت شرکتی که در دست بررسی در مراجع ذی صلاح، تنظیم سند کار شایسته، در نظر گرفتن مشوق‌هایی جهت شرکت‌های حامی محیط زیست، مشاوره و اجرای قواعد ایزو ۲۶۰۰۰ و در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی و مشوق‌های اقتصادی برای شرکت‌های مسؤول را می‌توان از جمله اقدامات موثر در این زمینه دانست.

مصوب ۱۳۶۷ از مواد ۱۵۷ الی ۱۶۶ به مبحث حل اختلاف و رسیدگی به دعاوی کار می‌پردازد. در این مواد که بررسی آن از حوزه این پژوهش خارج است، قانونگذار در واقع تلاش خود را تا حد ممکن بکار گرفته تا اجازه تضييع حقوق کارگر را از سوی کارفرما ندهد. البته باید توجه داشت که این قانون با رویکرد بدبینانه‌ای به نسبت کارفرما نوشته شده، هرچند که در سال‌های بعد تعدیل شده است. این تعدیل خصوصاً در قانون رفع برخی موانع سرمایه‌گذاری مصوب ۱۳۸۱ درج و اختصاصاً به قرارداد کار اجازه در نظر گرفتن موارد حق فسخ داده شده است.

با توجه به مواد فوق، مقررات قانون کار ضمن در نظر گرفتن حداقل‌های لازم برای کار که برگرفته از قواعد اساسی اعلامیه حقوق بشر و خصوصاً بیانیه فیلادلفیا و اساسنامه سازمان بین‌المللی کار نوشته شده، هزینه‌های نقض مقررات لازم الاجرا قانون کار را تا حد ممکن بالا برده است.

همانگونه که بیشتر اشاره شد، رعایت قواعد تامین اجتماعی نیز در جهت رعایت مسؤولیت اجتماعی شرکت‌ها مورد تاکید است. بر این اساس تامین اجتماعی نیز با در نظر گرفتن مواردی، رعایت این قواعد را برای شرکت‌ها الزام‌آور دانسته است. در واقع طبق ماده ۱ علت وضع مقررات این قانون اجرا و تعمیم و گسترش انواع بیمه‌های اجتماعی است. (نعیمی، ۱۳۹۸: ۲۳)

در ادامه، جهت الزام کارفرما و شرکت‌ها در اجرای این مقررات، از ماده ۹۷ الی ۱۰۹ به مقررات نقض قوانین می‌پردازد. شاید در این زمینه قانون تامین اجتماعی تنها قانونی باشد که صراحتاً مقررات کیفری را برای نقض در نظر گرفته و از این حیث هزینه سنگینی برای استنکاف شرکت‌ها از ایفاء مسؤولیت اجتماعی در نظر گرفته است. (نعیمی، ۱۳۸۹: ۸۷)

۲-۲-۳- قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲: قانون نظام صنفی همانگونه که از نامش پیدا است، متمرکز است بر فعالیت‌های صنفی و همانگونه که در ماده ۱ این قانون بیان می‌کند «نظام صنفی: قواعد و مقرراتی است که امور مربوط به سازمان، وظایف، اختیارات، حدود و حقوق افراد و واحدهای صنفی را طبق این قانون تعیین می‌کند.» (نعیمی، ۱۳۸۹: ۲۱) ماده ۱۵ و همچنین بند (ز)

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه مطرح شد اساساً مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از دهه ۵۰ قرن بیست میلادی، پارادایم غالب و چالش عمده در ارتباط شرکت‌ها با جامعه بوده در تمام این سال‌ها به سمت پذیرش داوطلبانه این مسئولیت حرکت کرده است. این واقعیت، خود مبتنی بر پذیرش نقش عمده شرکت‌ها در زندگی اجتماعی و کاستن از نقش دولت، به معنای تنها بازیگر عرصه اجتماعی است. بر این اساس، سازمان‌های بین‌المللی نیز پذیرفته‌اند که باید از گفت‌وگو معمول مسئول شناختن دولت‌ها به سمت ایجاد تکالیف برای شرکت‌ها خصوصاً شرکت‌های بین‌المللی حرکت کرد.

در ایران اگر چه قواعد مشخص و واضحی در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها وجود ندارد و عملاً مسئول شناختن، از طریق الزامات دولت و حاکمیت - نه اقدامات داوطلبانه - است، اما بررسی قوانین، این نکته را نشان می‌دهد که می‌توان از جمع کردن مواد پراکنده قوانین، رویکرد حفظ مسئولیت اجتماعی برای شرکت‌ها را مشاهده نمود؛ هرچند جای آن دارد که قانونگذار اقدامات مشخصی را در جهت نیل به این مهم انجام دهد. همچنین جهت فعالیت در حوزه‌های مختلف مسئولیت اجتماعی، مدیران ایرانی بیش از همه ترجیح می‌دهند به مسائل مربوط به مشتریان و مصرف‌کنندگان پرداخته و سپس به ترتیب به حوزه‌های محیط زیست، کسب و کار منصفانه، حاکمیت شرکتی، مشارکت در توسعه جوامع، حقوق بشر و در نهایت کارکنان و فعالیت کاری اهمیت می‌دهند.

در هر صورت، ضمن بررسی اولویت‌ها و معیارهای مسئولیت اجتماعی توسط مدیران برخی شرکت‌های ایرانی نتیجه گرفت که اولاً نقض جدی قوانین در این زمینه حتی با وجود همین قوانین پراکنده مشهود است. به اضافه اینکه قوانین موجود را به سختی می‌توان تامین کننده حداقل‌های مسئولیت اجتماعی دانست. ثانیاً پارادایم الزامی بودن قوانین در کشورها هنوز به سمت تغییر به پارادایم داوطلبانه بودن نقش‌پذیری اجتماعی حرکت نکرده است هرچند رگه‌هایی در میان برخی شرکت‌ها ملاحظه می‌شود. ثالثاً نقض جدی تمسک به مقررات بین‌المللی،

ناشی از یک دوره مخاصمه جدی میان ایران و این سازمان‌ها مشاهده می‌گردد. این در حالی است که طبق یافته‌های این پژوهش، ایران به اسناد اصلی حاکم در زمینه حقوق بشر، پیوسته و لازم است رعایت این قواعد در حوزه نظریه و سپس در قانونگذاری رعایت گردد. رابعاً به دلیل عدم ارتباط مستمر و منسجم شرکت‌های ایرانی با سامانه اقتصاد بین‌المللی، هنوز ضرورت اجرای برخی قواعد احساس نمی‌شود. در حالی که رعایت برخی قواعد از جمله قواعد UN Global Impact یا W.T.O برای کسب اعتبار و حیثیت تجاری برای انجام فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی بسیار ضروری است. خامساً به دلیل عدم اجرای کامل سیاست‌های خصوصی‌سازی، هنوز شرکت‌ها به سیاست گذاری مستقل از دولت دست نیافته‌اند. این مساله حرکت شرکت‌ها به سمت اعمال قواعد مسئولیت اجتماعی را دشوار می‌سازد؛ و سادساً از آنجا که کارکنان از جمله ذینفعان مهم برای سازمان بوده و امروزه حتی از اولویت بالاتری نسبت به سهام داران برخوردارند، توجه ضعیف به این مقوله و نیز حقوق بشر، نشان دهنده ضعف مدیران داخلی ما در این زمینه است. بهتر است با فرهنگ‌سازی گسترده، به سمت فعالیت در همه ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها خصوصاً کارکنان و نیز حقوق بشر گام برداریم.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله بر اساس اصول نگارش حقوقی، تماماً توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند تشکر می‌نمایم.

تامین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تامین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- استوار سنگری، کوروش (۱۳۸۹). *حقوق تامین اجتماعی*. تهران: میزان.

- براتلو، فاطمه (۱۳۸۶). «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها». *مجله راهبرد*، ۴۴(۲): ۲۶-۳۸.

- رحیمیان، نظام الدین (۱۳۹۱). «مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت‌ها». *حسابدار رسمی*، ۱۷(۱): ۱۲-۴۵.

- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۲). *حقوق تجارت بین‌الملل*. تهران: سمت.

- ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۸۶). *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: گنج دانش.

- عراقی، عزت الله (۱۳۸۲). *حقوق کار*. تهران: میزان.

- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳). *بایسته‌های حقوق اساسی*. تهران: میزان.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *مقدمه علم حقوق*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- نعیمی، عمران (۱۳۸۹). *قانون تامین اجتماعی در نظم کنونی حقوقی*. تهران: جنگل.

ب. منابع خارجی

- Bantekas, I (2004). "Corporate Social Responsibility in International Law". *International Law Journal*, 22(1): 15-37.

- Bowen R. (1953). *Social Responsibility of Businessman*. NY: Harper and Row.

- Carrol, B (1999). "Corporate Social Responsibility". *Business and Society*, 38(1): 68-95.

- Davis, K & Blomstrom, R.L (1966). *Business and its Environments*. NY: McGraw and Hill.

- McGuier, J (1963). *Business and Society*. NY: McGraw and Hill.

- Ratner, S (2001). "Corporate and Human Rights". *Yale Law Journal*, 3(1): 25-56.

- Zenonasturskis, A (2008). "Multi-Attribute Contractors Ranking Method by Applying Orderin of Feasible Alternatives of Solutions in Terms of Preferability Technique". *Business and Society*, 39(2): 15-38.

References

- Araghi, E (2003). *Labor Law*. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)
- Bantekas, I (2004). "Corporate Social Responsibility in International Law". *International Law Journal*, 22(1): 15-37.
- Barat Lou, F (2007). "Social Responsibility of Companies". *Rahbord Journal*, 44(2): 26-38. (Persian)
- Bowen R. (1953). *Social Responsibility of Businessman*. NY: Harper and Row.
- Carrol, B (1999). "Corporate Social Responsibility". *Business and Society*, 38(1): 68-95.
- Davis, K & Blomstrom, R.L (1966). *Business and its Environments*. NY: McGraw and Hill.
- Ghazi, A (2004). *Constitutional Law*. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)
- Katouzian, N (2004). *Introduction to Law*. Tehran: Enteshar Publishing. (Persian)
- McGuier, J (1963). *Business and Society*. NY:, McGraw and Hill.
- Naeimi, O (2010). *Commentary to Social Welfare Law*. Tehran: Jungle Publishing. (Persian)
- Ostovar Sangari, K (2010). *Social Welfare Law*. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)
- Rahimian, N (2012). "Social and Constant Responsibility of Companies". *Formal Accountant Journal*, 17(1): 12-45. (Persian)
- Ratner, S (2001). "Corporate and Human Rights". *Yale Law Journal*, 3(1): 25-56.
- Shiravi, AH (2013). *International Trade Law*. Tehran: Samt Publishing. (Persian)
- Zenonasturskis, A (2008). "Multi-Attribute Contractors Ranking Method by Applying Orderin of Feasible Alternatives of Solutions in Terms of Preferability Technique". *Business and Society*, 39(2): 15-38.
- Ziaee Bigdeli, MR (2007). *International Public Law*. Tehran: Ganj Danesh Publishing. (Persian)